

خداوند متعال می فرماید: «...فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً...»<sup>(۱)</sup>. آنگاه پیامبر ﷺ دستانش را بر زمین زد و تیمم کرد<sup>(۲)</sup>. و بدین گونه تیمم را تفسیر کرد.

راستی! اگر به

چنین روایتی از امام باقر علیه السلام توجه نمی کردیم، چگونه این آیه شریفه را معنا می کردیم؟. همچنین وقتی لفظ قرآنی بین دو یا چند معنا مشترک باشد و مراد واقعی را نتوانیم تشخیص دهیم، برای روشن شدن آیه ناچاریم به قول پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامان معصوم علیهم السلام تمسک جوئیم.

حال کلامی متصل و مربوط به یکدیگر هستند؛ یعنی برخی از آیات، برخی دیگر را توضیح می دهد؛ بنابراین راه صحیح فهم کلام الهی تدبیر و ملاحظه آیات مربوط به یک موضوع است.

یکی از مهم ترین ویژگی های قرآن این است که نمی توان آیات آن را بریده از آیات دیگر تفسیر و معنا کرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «.. أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدَّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَ أَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ. فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافاً كَثِيراً...)<sup>(۳)</sup>؛ «بعضی از آیات قرآن بعضی دیگر را تأیید و تصدیق می کند و اختلافی در آن

اعتقادی که از روی اجتهاد و تلاش به دست می آید و یا از روی هوی و هوس برای انسان حاصل می شود، «رای» نام دارد و تفسیر به رای آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می کند، آیات الهی را نیز همان گونه بررسی نماید

### بی توجهی به آیات دیگر

آیات الهی اگرچه کلماتی جدا و منفصل از یکدیگر هستند، ولی در عین

۱. نساء، ۴۳.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی،

ج ۱، ص ۲۴.

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸،

ص ۶۴.

آورده است. آیات قرآن اگر به صورت جمعی و در کنار یکدیگر فهمیده شوند، معنا و مفهوم روشن و جامعی را افاده می‌کنند.

محققان و مفسران بزرگ در این زمینه می‌فرمایند:

«برخی از آیات که به حسب فکر ابتدایی انسان مبهم به نظر می‌رسد، آیات دیگر را روشن می‌کنند. قرآن کریم نوری است که برخی از آیاتش در پرنوری مانند خورشید و برخی چون ماه و برخی مانند ستارگان است؛ آیات پرفروغ‌تر قرآن آیات کم‌فروغ را روشن‌تر می‌سازد و همگی در کنار هم فضای کاملاً روشنی را برای هدایت انسان به ارمغان می‌آورند»<sup>(۳)</sup>.

بی‌توجهی به قوانین تفسیر

بدون تردید هر متن دینی و علمی؛ اصول، اصطلاحات و زبان خاص خود را داراست و در نظر نگرفتن آن اصول و

نیست. پس خداوند سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل شده بود، اختلافات زیادی در آن می‌یافتند.

روایت شده است که امام جواد علیه السلام در تفسیر قطع دستان دزد و کیفیت آن در آیه شریفه «وَ السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...»<sup>(۱)</sup> فرمود: قطع دست باید از بیخ مفصل انگشت باشد و کف دست رها گردد. وقتی علت را جویا شدند، آن حضرت علیه السلام به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله تمسک جست که می‌فرماید: سجده بر هفت عضو صورت می‌گیرد: پیشانی، دو دست، دو زانو و انگشتان بزرگ پا. اما هنگامی که دست از مج یا آرنج قطع شود، دستی برای سارق باقی نمی‌ماند تا با آن سجده کند؛ در حالی که خدای متعال فرموده است: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» منظور از «مساجد» در این آیه، اعضای هفتگانه سجده است<sup>(۲)</sup>.

به هر حال اگر کسی یک آیه از قرآن را فهمید ولی به آیات دیگر توجه نکرد، نه تنها به عمق معنای آیه اول نرسیده، بلکه مفهوم نادرستی از آیه را به دست

۱. مانند، ۳۸.

۲. جن، ۱۷ - سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، ص ۵۵۰ - ۵۵۱.

۳. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۳۹۵.



مراجعه کنیم تا دریابیم که تا چه حد نقل‌های تاریخی اسرائیلی در درون تفاسیر اسلامی رخنه کرده است. تفاسیر اهل سنت به لحاظ تکیه و استناد به آرای صحابه، بیشتر در معرض چنین ناهنجاری قرار گرفته است. خوشبختانه

مفسران و قرآن‌پژوهان عصر حاضر و قرن اخیر به هریک به تناسب و اقتضای سبک و روشی که برگزیده‌اند، با تیغ جرح و تعدیل به نقد روایات اسرائیلی رفته و بر نقش منفی این روایت‌ها بر اندیشه مفسر و نیز تفسیر

می‌دهد یا می‌ترساند، کسانی را که با آن صفات متصف هستند در هر زمان و در هر مکان که باشند، شامل می‌شود.

### نقل‌های تاریخی بی‌اساس

یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا در فهم

صحیح آیات قرآن، نقل‌های تاریخی بی‌اساس است. کم‌تر پژوهش‌گری است که نداند تعدادی از تفاسیر گذشتگان آمیخته با خرافات و نقل‌های تاریخی بوده است؛ نقل‌هایی که ریشه در بینش و اندیشه یهود دارد و هیچ مأخذ معتبر اسلامی برای آن نمی‌توان یافت، کافی است محورهای تاریخی چندی را همچون: داستان آفرینش آسمان و زمین، خلقت آدم، سرگذشت انبیاء و... که بستر روایات اسرائیلی است در نظر بگیریم، سپس به بعضی از تفاسیر اسلامی همچون: طبری، قرطبی، ثعالبی و...

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا هرچه زمان می‌گذرد و آیات قرآن تکرار می‌شود، تازگی این کتاب بیشتر می‌شود؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «زیرا خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت و مردم خاصی نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است و در نزد تمام مردم تا روز قیامت شیرین و پر جذبه است»

آیات انگشت گذاشته اند.

با همان جمود فکری تفسیر می کردند. در میان عقیده غلات شیعه و اخباریان نیز نمودهای این جمود فکری قابل ملاحظه است. غلات مفهوم حب ائمه علیهم السلام را بد تفسیر کردند و به دام شرک و کفر افتادند و اخباریان به خاطر بی توجهی به نقش زمان و مکان در برداشت از مفاهیم قرآنی دچار رکود شدند.

### کاربرد گرایش‌های مادی

یکی دیگر از عوامل مادی آسیب‌زا در فهم آیات قرآن، گرایش مادی در تفسیر آیات است؛ یعنی توجه برخی مفاهیم معنوی به وسیله پدیده‌های مادی است. در این گرایش آیات براساس ذهنیت برگرفته از واقعیت‌های مادی روشن می شود و هیچ‌گونه معیار قرآنی و روایی به رسمیت شناخته نمی شود. به همین جهت اینگونه تفسیر یکی از نمونه‌های آشکار تفسیر به رأی به شمار می رود.

تفسیر «سید احمد خان هندی» به

### جمود فکری و تنگ نظری

فهم صحیح قرآن و مسائل دین نیازمند وسعت نظر، ژرف اندیشی و عقلانیت است. در مقابل، تنگ نظری و جمود، آفت دین و فهم قرآن است.

نگاهی به تاریخ اسلام، نقش شایان توجه این عامل را در رشد یا انحطاط مسلمانان نشان می دهد. فرقه‌های ظاهرگرا عمدتاً گرفتار این آفت فکری بودند.

خوارج، «عبدالله بن خیاب» را به جرم این که با آنان هم عقیده نبود و حضرت علی علیه السلام را آگاه‌ترین مردم به خدا معرفی کرده بود، به شهادت رساندند. سپس همسرش را که حامله بود کشتند و شکم او را دریدند و فرزندش را سر بریدند. در این هنگام یکی از خوارج یک دانه خرما را که بر زمین افتاده بود، برداشت و در دهان گذاشت. دوستانش به او اعتراض کردند که چرا چنین کار حرامی را مرتکب شدی<sup>(۱)</sup>. اینگونه افراد، طبعاً قرآن را نیز

۱. تاریخ کامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۴۱ - ۳۴۲.

خضوع نداشته باشند، من قلب‌هایشان را از درک معارف دینی منصرف می‌کنم. سپس می‌فرماید: «... ثُمَّ أَنْصَرَفُوا فَصَوَّرَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ...»<sup>(۳)</sup>؛ چون [به علت ضعف درونی] از آیات الهی روی‌گردان شدند، خداوند دل‌های آنان را از ادراک مفاهیم قرآن منصرف کرد.

چنین گروهی نه قرآن را می‌فهمند و نه بر فرض فهمیدن، از آن بهره‌مند می‌شوند. آنان همیشه در فکر متاع زودگذر هستند. قرآن کریم به همه انسان‌ها هشدار می‌دهد که اگر غرق در امور مادی باشید، جان پاک خود را در طبیعت دفن کرده و خسران دیده‌اید. اگر کسی عقل خود را در غرایز و اغراض طبیعی دفن کند، متبع الهام درونی و تشخیص حق و باطل و تقوا را دفن کرده است؛ بنابراین هیچ‌گاه نمی‌تواند معارف بلند قرآن کریم را بفهمد<sup>(۴)</sup>.

نام «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» نمونه آشکار این جریان است و شاید این تفسیر نخستین تفسیری باشد که به این گرایش دامن زده است و خوانندگان را از دریافت مفاهیم واقعی آیات قرآن محروم ساخته است.

به عنوان مثال: تفسیر وحی به بازتاب ژرف‌نمای روح پیامبر ﷺ توجیه واقعیت‌های درک‌نشده بهشت و جهنم، تفسیر شکافته‌شدن دریا در داستان موسی عليه السلام به جزر و مد و... نمونه‌هایی از آن است<sup>(۱)</sup>.

### غرور علمی و خود برتربینی

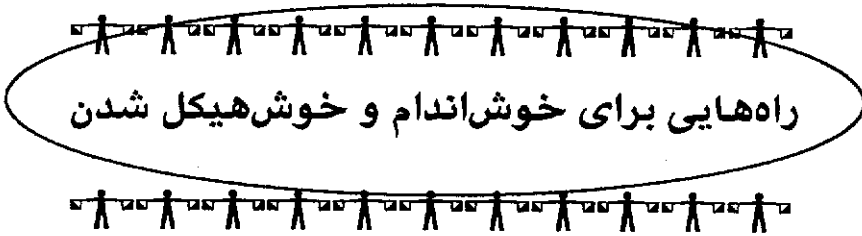
عدم آگاهی و علم نسبت به مفاهیم دینی و قواعد آن، آخرین عامل انحراف از مسیر فهم قرآن محسوب می‌شود که در این نوشتار به آن اشاره می‌شود.

در آیات قرآن از جهل و تکبر به عنوان مهم‌ترین موانع معرفت‌شناسی نام برده شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...»<sup>(۲)</sup>؛ کسانی که عمداً تکبر کنند و در برابر حق

۱. تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، سید احمد خان هندی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۱، ص ۶۰.  
 ۲. اعراف، ۱۴۶. ۳. توبه، ۱۲۷.  
 ۴. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۵.

دکتر منصور اشرفی

عضو کالج بین‌المللی جراحان



## راه‌هایی برای خوش‌اندام و خوش‌هیکل شدن

### ۱. ورزش:

نخستین و مهم‌ترین گام برای خوش‌اندام شدن ورزش است، به ویژه اگر در هوای آزاد باشد، مانند شنا کردن، دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی، بهتر است. بایستی دست‌کم روزی ۳۰ دقیقه متوالی، این ورزش انجام بگیرد و هفته‌ای سه و یا چهار روز تکرار شود. این‌گونه ورزش‌ها به راحتی متابولیسم؛ یعنی سوخت و ساز بدن را تحریک می‌نماید و باعث سوختن کالری بیشتر، حتی موقع استراحت، می‌شود. برخی از پژوهشگران بر این باورند که حتی تا ۲۴ ساعت پس از ورزش، سوخت مواد غذایی بیشتر از وقتی است که آدمی ورزش نکند.

### ۲. صبحانه:

کسانی که چاق هستند و برای لاغر شدن صبحانه نمی‌خورند، در اشتباهند. چون پس از صرف شام، تا ظهر روز بعد آدمی گرسنه بماند، بدن انسان با این گرسنگی مقابله می‌کند و کالری کمتری می‌سوزاند. پس نخوردن صبحانه تأثیری در لاغر شدن ندارد. اصولاً صبحانه مقدار قند خون را تنظیم می‌کند و نیروی لازم برای آغاز و انجام کار روزانه فراهم می‌کند. بنابراین اگر قرار است مقداری از غذای روزانه حذف شود، بهتر است از غذای ظهر و شب کاسته شود نه صبحانه.